

جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای: تأملات جدید در مورد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه

امیرحسین زمانی نیا*

فاطمه هاشمی**

چکیده

ایده ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه فکر جدیدی نیست و سابقه آن به سال‌های دهه ۷۰ میلادی بازمی‌گردد. با وجود این، چشم‌انداز امنیتی خاورمیانه امروز اغلب تحلیلگران را بر آن داشته است که نگاه تازه‌ای به این فکر و مفهوم بیندازند. از نظر اغلب آنها، مسابقه تسلیحاتی بالقوه در خاورمیانه، چشم‌اندازهای ثبات و توازن بلندمدت قدرت در این منطقه را به مخاطره می‌افکند. ظاهراً اسرائیل، ایران و مصر از جمله بازیگران اصلی و تعیین‌کننده در میزان موفقیت یا شکست این نوع تفکر طی چهل سال آتی هستند. عدم پیشرفت واقعی در مناقشه اعراب و اسرائیل و تردیدهای بین‌المللی نسبت به هرگونه تحرکی در این جبهه و نیز توجه شورای امنیت سازمان ملل به برنامه هسته‌ای ایران، که در آن ایران تا زمان اثبات بی‌گناهی خود همچنان گناهکار فرض می‌شود، ممکن است فرصتی برای تفکر خلاق و برنامه‌ریزی با هدف پیشبرد ایده ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در منطقه خاورمیانه را فراهم کند.

واژگان کلیدی

منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای، ایران، اسرائیل، خاورمیانه، ایالات متحده

* کاندیدای دکتری حقوق جزا، دانشگاه نیویورک و معاون پژوهش‌های بین‌المللی مرکز تحقیقات استراتژیک

Email: azamani@csr.ir

Email: wsa_iran@hotmail.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۵

تاریخ ارسال: ۹۰/۰۴/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۲ / بهار ۱۳۹۱ / صص ۲۶-۷

مقدمه

زمانی که معاهده منع اشاعه (سلاح‌های هسته‌ای) NPT، در سال ۱۹۹۵ برای مدت زمانی نامحدودی تمدید شد، دولت‌های عضو با مجموعه‌ای از «اصول و اهداف عدم اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای» موافقت کردند که یکی از آنها عبارت بود از: «پیگیری قاطع تلاش‌های نظام‌مند و گام‌به‌گام برای کاهش میزان این سلاح‌ها در سطح جهان از سوی کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای، با هدف نهایی نابودی سلاح‌های مذکور و پیگیری خلع سلاح عمومی و کامل براساس کنترل دقیق و مؤثر بین‌المللی توسط تمام دولت‌ها». هرچند میزان پیشرفتی که تاکنون در نیل به این هدف حاصل شده، مأیوس‌کننده بوده است.^(۱)

این مقاله به تشریح مختصر چارچوب قانونی خلع سلاح عمومی و کامل هسته‌ای، موانع تاریخی، امیدهای تازه برآمده از رویکرد رئیس‌جمهور جدید امریکا نسبت به خلع سلاح و نقش پیشرویی که ایالات متحده امریکا و روسیه باید در زمینه امحا و نابودی سلاح‌های هسته‌ای ایفا کنند، می‌پردازد. پیشنهاد مقاله این است که ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای نه تنها برای تحقق عدم اشاعه گامی سازنده تلقی می‌شود،

بلکه اقدامی است که در صورت تحقق آن به صورت جمعی، شرایطی را به لحاظ سیاسی در سطح جهان ایجاد خواهد کرد که در نتیجه آن کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای متوجه می‌شوند خطراتی که از نظر آنها بر اقدامات منسجم و پیش‌رونده برای دستیابی به جهانی‌سازی از سلاح‌های هسته‌ای مترتب است، قابل مدیریت خواهد بود.

همچنین ضمن مرور کوتاهی بر مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای موجود، به این نکته اشاره می‌شود که کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای باید در حمایت ناکافی خود از این مناطق تجدید نظر کنند. این مقاله با اشاره به برنامه هسته‌ای ایران با تفصیل بیشتری به پیشنهاد ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه می‌پردازد و متذکر می‌شود که در حال حاضر و به‌رغم کلیه احتمالات موجود، ممکن است همچنان فرصتی برای پیشرفت در زمینه این موضوع وجود داشته باشد. آنچه باعث می‌شود این پیشنهاد منطقی‌تر به نظر برسد، این است که کمیته مقدماتی سوم نیز طی جلسه مورخ ۴ تا ۱۵ مارس ۲۰۰۹ که پیش از کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی الحاقی در سال ۲۰۱۰ برگزار شد، برای اولین بار با بازبینی

قطعنامه کنفرانس تمدید و بازنگری ان پی تی در سال ۱۹۹۵ در خصوص موضوع ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه موافقت کرد.

۱- خلع سلاح هسته‌ای

تعداد کمی از کارشناسان جدی امنیت راهبردی جهان به نیت اوپاما شک و تردید کردند، زمانی که او در هنگامی که شهر پراگ در تاریخ ۵ آوریل از "تعهد امریکا برای تلاش جهت تحقق صلح و امنیت از طریق ایجاد جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای" سخن گفت. البته اوپاما به سرعت تأکید کرد که وی زودباور نیست و می‌داند که خلع سلاح هسته‌ای فرآیند طولانی است که نیازمند بردباری و پشتکار خواهد بود. نکته مهم این است که اوپاما از کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای در راهبرد امنیت ملی ایالات متحده امریکا و از باور خود به لزوم انجام اقداماتی از سوی ایالات متحده جهت نیل به جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای نیز سخن گفت. شنیدن این اظهارات امیدوارکننده درباره سیاست‌های مورد نظر رییس جمهور امریکا، به خصوص طی ۱۰۰ روز اول دوره ریاست جمهوری وی، برای کشورهایی که دارای سلاح‌های هسته‌ای و یا فاقد آن بودند، به یک اندازه اهمیت داشت. با توجه به گذشت

یک سال از انتخاب اوپاما به عنوان رئیس جمهور، وی حداقل سه سال دیگر فرصت دارد تا پیشقدم شود و اقدامات یکپارچه و منسجمی برای دستیابی به جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای به عمل آورد.

بحث در مورد خلع سلاح هسته‌ای سابقه‌ای دست کم به قدمت خود معاهده ان پی تی دارد. به‌رغم نقص این معاهده از نظر اعمال معیارهای دوگانه در مورد کشورها، این معاهده همچنان سنگ بنای هم خلع سلاح هسته‌ای کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای و نیز عدم اشاعه از سوی کشورهای فاقد چنین سلاح‌هایی محسوب می‌شود. برخلاف اطلاعاتی که جریان اصلی رسانه‌ای غرب مبلّغ آن است، معاهده ان پی تی بیشتر در پیشگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای توسط ۱۸۶ کشور عضو، صرف‌نظر از مورد کره، موفق بوده است تا خلع سلاح کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای. معیارهای دوگانه موجود در ان پی تی که به باور برخی تحلیلگران برای تبدیل این معاهده به ابزاری کارآمد جهت تحقق جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای باید بر آنها فائق آمد، توسط محمد البرادعی، مدیرکل سابق آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، (دوره وی در نوامبر ۲۰۰۹ به پایان رسید)، به بهترین

شکل بیان شده است. به نوشته وی: «اگر قدرت‌های برتر جهان معتقدند امنیت آنها منوط به برخورداری از سلاح‌هایی است که قادر به نابودی کامل سیاره ما هستند، و اگر آنها همچنان به مدرن و به روز کردن زرادخانه‌های هسته‌ای خود و حتی تحقیقات بیشتر در زمینه استفاده واقعی از آنها ادامه می‌دهند، چگونه می‌توان انتظار داشت که سایر ملت‌ها از دستیابی به این سلاح‌ها - به بهانه حفظ امنیت بین‌المللی - اجتناب ورزند؟ پاسخ ساده به چنین پرسشی این است که نمی‌توان چنین انتظاری داشت» (ElBaradei, 2009). البرادعی با تأکید بر عدم امکان استمرار برخورد نابرابر با کشورهای دارنده و فاقد سلاح‌های هسته‌ای در بلندمدت و با هدف نیل به خلع سلاح هسته‌ای، این گونه استدلال می‌نماید: «ما باید از این فکر غیرعملی که تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی توسط برخی کشورها از نظر اخلاقی ناخوشایند، اما در عین حال تکیه بر این تسلیحات به منظور حفظ امنیت را برای برخی دیگر از کشورها مجاز می‌پندارند، دست برداریم» (ElBaradei, 2008).

در ژوئن ۱۹۹۸، ائتلاف دستور کار جدید (NAC)^۱ شامل کشورهای برزیل، مصر، ایرلند، مکزیک، زلاند نو، آفریقای جنوبی، و سوئد رسماً ایجاد شد و توجه عموم را به فوریت خلع سلاح هسته‌ای و لزوم تلاش برای دستیابی به طرحی برای امنیت بین‌المللی که در آن جایی برای سلاح‌های هسته‌ای نباشد، جلب کرد. این ائتلاف معمار اصلی ۱۳ اقدام معروفی بود که در کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۰۰ مورد توافق قرار گرفت. طی این کنفرانس، کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای براساس ماده شش ان‌پی‌تی، مسئولیت خود را برای همکاری در زمینه «تعهدی شفاف» به حذف زرادخانه‌های هسته‌ای مورد تأیید قرار دادند. مطالعه مقاله‌ای در شماره ژانویه ۲۰۰۷ روزنامه وال استریت ژورنال به قلم جورج شولتز، هنری کیسینجر، ویلیام پری و سام نان و استدلال قدرتمند آنها برای کنار گذاشتن سلاح‌های هسته‌ای، امیدهای تازه‌ای را در میان کارشناسان کنترل تسلیحات و خلع سلاح ایجاد کرد. شخصیت ویژه نویسندگان این مقاله که به گفته برخی تحلیلگران، کسانی هستند که به تازگی به خلع سلاح هسته‌ای ایمان آورده‌اند، کمک

موضوع فوق دلیل خوبی برای نابودی سلاح‌های هسته‌ای باشد، پرسش بزرگ این است که این کار چگونه باید انجام پذیرد؟ نخست چه کسی و نخست کدام گام باید برداشته شود؟ ترتیب گام‌های بعدی که باید توسط کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای و نیز کشورهای فاقد این گونه سلاح‌ها برداشته شوند، چیست؟ کدام کشور دارای سلاح هسته‌ای باید کدام گام را نخست برداشته و به دنبال آن کدام کشور چه اقدامی اتخاذ کند؟ اوپاما حق داشت در پراگ به این نکته اشاره کند که ایالات متحده امریکا به عنوان تنها کشور دارای سلاح‌های هسته‌ای - که تاکنون از این سلاح استفاده کرده است - دارای «مسئولیت اخلاقی برای اقدام» و پیشقدم شدن در فرآیند خلع سلاح کامل هسته‌ای است. در حقیقت، ایالات متحده امریکا و روسیه به عنوان دو کشور دارنده ۹۵ درصد کل سلاح‌های هسته‌ای جهان باید با همکاری یکدیگر تلاش کنند تا به سایر کشورهای جهان در خصوص آغاز واقعی فرآیند خلع سلاح و فراتر رفتن آن و نیز کاهش صرف سلاح‌های هسته‌ای در زرادخانه‌های این کشورها اطمینان جدی دهند. موارد زیر شامل پیشنهادهایی در رابطه با «اقدامات منسجمی» است که ایالات

شایانی برای جلب توجه عموم مردم به تلاش‌هایی مانند اقدامات انجام‌شده توسط NAC، به خصوص در داخل ایالات متحده امریکا بود. بسیج افکار عمومی در زمینه خطرات واقعی تهدیدکننده حیات کره زمین از جانب سلاح‌های هسته‌ای موجود در ۹ کشور جهان باید در رأس دستورکار هر یک از کارشناسان و نهادهای خلع سلاح به عنوان شرط لازم برای پیشرفت معنادار در امتداد مسیر طولانی نیل به جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای قرار داشته باشد.

هرچند شمار اندکی از افراد در مورد منطق خلع سلاح هسته‌ای تردید دارند، ولی اگر نگوییم همه، اما اکثر تحلیلگران نمی‌دانند این هدف چگونه محقق خواهد شد. دلیل خلع سلاح هسته‌ای ساده و بدیهی است: کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای تعهد داده‌اند که اقداماتی جدی برای کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای خود با هدف نابودی آنها به عمل آورند و در مقابل، ۱۸۶ کشور دیگر نیز متعهد شده‌اند اقدام به تولید این گونه سلاح‌ها نکنند؛ مشوق‌های نیرومندی در زمینه عدم اشاعه به کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای ارائه دهند؛ و مهم‌تر از همه، مانع از نابودی کامل زمین و کشتار فوری تمام نسل بشر شوند. با فرض اینکه

- متحدہ امریکا و روسیہ باید طی چند سال آئندہ بہ منظور آغاز و پیشگامی در این فرآیند بہ عمل آورند:
- کمک بہ ایجاد و ارتقای فعال حس فوریت اخلاقی در رابطہ با خلع سلاح هسته‌ای؛
 - کمک بہ ایجاد و ارتقای فعال فضای امیدبخشی در جهان با التزام شفاف بہ عدم استفادہ از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل، در صورتی کہ ہر یک از دو کشور مذکور از طرف‌های مناقشہ باشند.
 - کاستن از نقش سلاح‌های هسته‌ای در راہبردی‌های امنیت ملی خود؛
 - کاهش قابل توجہ تعداد سلاح‌های هسته‌ای فعال شدہ و نابودی تمام سلاح‌های هسته‌ای فعال نشدہ؛
 - بازنگری در وضعیت عملیاتی سیستم سلاح‌های هسته‌ای برای اجتناب از شلیک تصادفی آنها؛
 - خودداری از توسعہ سلاح‌های هسته‌ای جدید و بہ روز شدہ، مانند سلاح‌های تعریف شدہ در «بازنگری وضعیت ملی و سلاح‌های جایگزین قابل اعتماد»^۲ کہ ممکن است نوعی نقض غرض در زمینہ اعتمادسازی در
- رابطہ با خلع سلاح کامل هسته‌ای تلقی شوند.
- التزام بہ سیاست «پیش‌دستی نکردن» در استفادہ از سلاح‌های هسته‌ای بدون هیچ قید و شرطی؛
 - متوقف کردن بحث و توسعہ طرح دفاع موشکی بہ منظور حفاظت از اروپا و ایالات متحدہ امریکا در مقابل موشک‌های شلیک‌شدہ از خاورمیانہ؛
 - اعلام سیاستی شفاف برای ارائہ تضمین‌های منفی امنیتی بہ کلیہ کشورہای فاقد سلاح‌های هسته‌ای؛
 - طراحی و ارتقای فعال رژیم چرخہ سوختی کہ با کشورہای دارا و فاقد سلاح‌های هسته‌ای برخورد یکسانی داشتہ باشد.
 - حمایت از آغاز یک فرآیند مذاکرہ چندجانبہ کہ بہ تدوین سندی الزام‌آور برای منع توسعہ، ذخیرہ‌سازی و استفادہ از ہر نوع سلاح هسته‌ای منجر شود.
 - ارتقا و حمایت فعال از ایجاد منطقہ عاری از سلاح‌های هسته‌ای در نقاط مختلف جهان از جملہ خاورمیانہ و تبعیت از شروط آن.

۵. معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آسیای مرکزی: معاهده سال ۲۰۰۶ برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آسیای مرکزی.

وضعیت عاری بودن از سلاح‌های هسته‌ای:

۶. مغولستان وضعیت عاری از سلاح‌های هسته‌ای خود را در سال ۱۹۹۲ اعلام کرد و این وضعیت در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شد.

مناطق جغرافیایی عاری از سلاح‌های هسته‌ای:

۷. معاهده قاره قطب جنوب در سال ۱۹۵۹ منعقد شد که براساس آن هرگونه اقدامی با ماهیت نظامی شامل آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در قاره قطب جنوب ممنوع شده است.

۸. معاهده سال ۱۹۶۷ در زمینه اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در تحقیقات و استفاده از فضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام سماوی که ایجاد سلاح‌های هسته‌ای در مدار دور زمین، نصب یا آزمایش این گونه سلاح‌ها بر روی ماه و سایر اجرام سماوی و نیز ایجاد این سلاح‌ها به هر شکل دیگر در فضای خارج از زمین را منع می‌کند؛

نکته آخر همان موضوعی است که در این مقاله با تفصیل بیشتر به آن پرداخته شده است.

مطالب فراوانی در مورد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در جهان؛ خصوصیات و ساختار آنها، مزایا و معایب، و مهم‌تر از همه، عملکرد آنها به عنوان سازوکار عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به رشته تحریر درآمده و در مورد آن سخن گفته شده است. فهرست زیر شامل عنوان معاهدات مرتبط با ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای است:

- مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای:
۱. معاهده تلاتلوکو^۳: معاهده سال ۱۹۶۷ برای منع ایجاد سلاح‌های هسته‌ای در امریکای لاتین و منطقه کارائیب؛
 ۲. معاهده راراتونگا^۴: معاهده سال ۱۹۸۵ برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در اقیانوس آرام جنوبی؛
 ۳. معاهده بانکوک^۵: معاهده سال ۱۹۹۵ برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در جنوب شرقی آسیا؛
 ۴. معاهده پلیندابا^۶: معاهده سال ۱۹۹۵ برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آفریقا؛

3. Latin America and the Caribbean (Treaty of Tlateloco, 1967)

4. The South Pacific (Treaty of Raratonga, 1985)

5. Southeast Asia (Bangkok Treaty, 1995)

6. Africa (Pelindaba Treaty, 1995)

۹. معاهده سال ۱۹۷۱ برای جلوگیری از استقرار سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی در سطح دریا و بستر اقیانوس و زیربستر مربوط به آن.

تا سال ۲۰۰۸، این معاهده از نظر وضعیت امضا، تصویب و اجرا و نیز از نظر امضا و تصویب پروتکل‌های مربوطه که خواهان ارائه تضمین‌هایی از سوی کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای شده‌اند، در مراحل مختلفی قرار داشته‌اند.^(۲)

ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در نقاط مختلف جهان موجب تقویت ان‌پی‌تی و کمک به امنیت بین‌المللی شده است. مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای به ارتقای گفتگو در مورد چگونگی برخورد با مشکلات امنیتی بدون نیاز فرضی به بازدارندگی هسته‌ای در میان اعضای این معاهده کمک کرده‌اند.

برخلاف سیاست‌های اعلام‌شده از سوی کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای و برداشت عمومی از سیاست‌ها و روش‌های آنها، این کشورها در گذشته اقدام عملی برای امضای معاهدات مرتبط با ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای انجام نداده‌اند. به عنوان مثال، هیچ یک از کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای پروتکل معاهده بانکوک را به این

بهانه که متن معاهده ممکن است به شیوه‌ای تفسیر شود که با ناوبری آزاد در تزامم باشد، امضا نکرده‌اند. ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه فعالانه به برخی از مواد معاهده سال ۲۰۰۶ برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آسیای میانه اعتراض کردند، ولی کشورهای آسیای میانه، به‌رغم این اعتراضات دست به ایجاد این منطقه زدند. ایالات متحده آمریکا به بندی در پیش‌نویس معاهده اعتراض داشت که به کشورهای همسایه آسیای میانه امکان پیوستن به این معاهده را می‌داد. استدلال ایالات متحده آمریکا این بود که حوزه کاربرد معاهده باید تعریف شده باشد و به صورت باز رها نشود. برخی معتقدند ایالات متحده آمریکا ممکن است نگران درخواست آتی ایران برای پیوستن به معاهده آسیای میانه به عنوان همسایه کشور ترکمنستان باشد که باعث پیچیده شدن تلاش‌های آمریکا برای مهار برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد (Parish and Potter, 2006).

۲- منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه

اعتقاد بر این است که ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در نقاط مختلف جهان به دو دلیل سبب افزایش امنیت جهان می‌شود. نخست، این‌گونه مناطق موجب

وجود ۳۶۰۰۰ سلاح هسته‌ای که بخش عمده آنها در امریکا و روسیه قرار دارد، با سایر چالش‌هایی که امروزه با آنها مواجهیم، به لحاظ کیفی کاملاً متفاوت است و با هیچ یک از آنها قابل مقایسه نیست. از آنجا که این سلاح‌ها می‌توانند حیات انسانی و سایر اشکال حیات را در تنها کره‌ای که روی آن زندگی می‌کنیم، در یک لحظه و برای چندین بار متوالی نابود کنند؛ و از این حیث، چالش ناشی از وجود سلاح‌های هسته‌ای با سایر چالش‌ها تفاوت کیفی دارد. از قول آلبرت اینشتین نقل شده است که اگر جنگ جهانی چهارمی باشد، احتمالاً سنگ و چوب سلاح‌های آن خواهند بود. البته او فرض را بر این می‌گذارد که بعد از جنگ جهانی سوم، که در آن از سلاح‌های هسته‌ای استفاده خواهد شد، باز هم انسان‌هایی بر روی زمین باقی می‌مانند که در جنگ چهارم جهانی با سنگ و چوب با یکدیگر مبارزه کنند.

دیوید کریگر (Krieger, 2010)، عضو بنیاد پروژه صلح در عصر هسته‌ای، گفته اینشتین را بسیار خوشبینانه می‌پندارد. کلاهک‌های هسته‌ای موجود در زرادخانه‌های ایالات متحده امریکا و روسیه برای نابود ساختن کل جهان به دفعات متعدد و نسل انسان در یک چشم بر هم زدن کفایت

اعتمادسازی بین دولت‌ها و تقویت نظام عدم اشاعه خواهد بود. دوم آنکه مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای بر حسب تعریف، با هدف محدود کردن کشورهای دارای سلاح هسته‌ای برای انتقال یا ایجاد پنهانی شناورهای حاوی سلاح‌های هسته‌ای خود در مناطق عاری از این گونه سلاح‌ها ایجاد می‌شوند و هدف دیگر آنها توجه و تشویق این‌گونه دولت‌ها به تعهداتی است که براساس معاهده منع اشاعه (NPT) در جهت خلع سلاح هسته‌ای تدریجی، عمومی و کامل پذیرفته‌اند. به این ترتیب، ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای خون تازه‌ای است که حیات معاهده ان‌پی‌تی، به ویژه ارکان اساسی آن یعنی خلع سلاح هسته‌ای و منع اشاعه بدان وابسته و نیازمند است.

منطقی که باعث تدوین ان‌پی‌تی شد، همچنان به اندازه سال ۱۹۶۸ معتبر بوده و به قوت خود باقی است. تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نشانه بارزی از رفتار نابخردانه و به دور از تمدن انسان است و نیاز بیش از پیش وی را به رشد اخلاقی و معنوی بیان می‌کند. امروزه با چالش‌های جهانی مختلفی رو به رو هستیم که ایدز، فقر، مناقشه‌ها و کشتار و تروریسم، صرفاً نمونه‌هایی از آن به شمار می‌رود. چالش

می‌کنند. در عین حال خطر شلیک ناخواسته یا اشتباهی موشک‌های حامل کلاهک‌های هسته‌ای نیز وجود دارد. بنابراین، عموم مردم، گروه‌های جامعه مدنی، نهادهای سیاستگذاری و دولت‌ها نیازمند آموزش مستمر، یادآوری و اقدامات خلاقانه برای ارتقای نیاز سرنوشت‌ساز جامعه بشری به خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه هستند. پیشبرد عدم اشاعه و گسترش مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در نقاط مختلف جهان گام استواری برای نیل به این هدف تلقی می‌شود.

هنگام طرح موضوع خاورمیانه، پیچیدگی‌های مسئله و میزان تلاش برای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در این منطقه به اندازه‌ای آشکار است که مضحک به نظر می‌رسد. ولی این ایده چه خنده‌دار باشد چه نباشد، ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در هیچ کجای دنیا به اندازه خاورمیانه به نفع صلح و امنیت بین‌المللی نخواهد بود. با اینکه در ظاهر از ایجاد چنین منطقه‌ای در خاورمیانه حمایت فراوانی صورت می‌گیرد، ولی پیشرفت عملی در جهت نیل به این هدف به هیچ روی امیدوارکننده نبوده است.

تنها پیشرفت جالب توجه در مسیر دستیابی به هدف ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه، دستاورد کنفرانس تمدید و بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۱۹۹۵ است که طی آن کشورهای عضو این معاهده با اکثریت آراء، سند پایانی کنفرانس را تصویب کردند و قطعنامه مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه جزء لاینفکی از آن سند بود. این واقعه اوج پیشرفت ۲۱ سال تلاش در مجمع عمومی سازمان ملل بود که ایران از سال ۱۹۷۴ آن را آغاز و سپس همراه با مصر در مجمع عمومی سازمان ملل پیگیری کرد.

تصویب قطعنامه مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه که طی کنفرانس تمدید و بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۱۹۹۵ اتفاق افتاد، پیشرفت مهمی در این زمینه به شمار می‌رفت؛ هرچند ظاهراً به اعمال بیشترین فشار نه تنها بر این طرح بلکه بر تمدید نامحدود ان‌پی‌تی منجر شده است. به علاوه، آن دسته از اعضای اتحادیه کشورهای عرب که بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰، و در نتیجه کنفرانس تمدید و بازنگری NPT در سال ۱۹۹۵ و به خصوص بعد از تصویب قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی آن به پیمان مذکور

پیوستند، اکنون بر این باورند که در کنفرانس بازنگری و تمدید ان پی تی در سال ۱۹۹۵ گمراه شده‌اند، چراکه سایر طرف‌های معاهده، نه به وعده‌های خود عمل کردند و نه اساساً چنین نییتی داشته‌اند.^(۳)

در سال ۱۹۹۵، کشورهای عضو ان پی تی توافق کردند که این معاهده را به صورت نامحدود طی بسته‌ای شامل سه تصمیم و یک قطعنامه تمدید کنند. این سه تصمیم عبارت بودند از: تعهد به تقویت ان پی تی، جهان‌شمول کردن آن و تبیین اهداف، اصول و شیوه‌های اجرایی معاهده. قطعنامه مذکور نیز در مورد ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه بود و اکنون با گذشت بیش از ۱۳ سال از این کنفرانس، بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کلیه کشورهای عربی و ایران معتقدند که در این مورد هیچ اقدام واقعی صورت نگرفته و هیچ گونه عزم یا طرح اجرایی برای تصمیم‌ها یا قطعنامه خاورمیانه‌ای کنفرانس سال ۱۹۹۵ از سوی کشورهایی که امکان اجرای آن را دارند، وجود نداشته است.

اتحادیه عرب، بنابر دیدگاه‌های مذکور و در چارچوب قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی سال ۱۹۹۵، قانونی بودن تمدید نامحدود ان پی تی را مورد تردید

قرار داده است.^(۴) به همین ترتیب، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به دلیل عدم پایبندی به تعهدات خود در زمینه خلع سلاح هسته‌ای در چارچوب ان پی تی، از سوی بسیاری از کشورها و توسط وزرای خارجه کشورهای عضو «ائتلاف دستور کار جدید» مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۵ وزرای خارجه کشورهای «ائتلاف دستور کار جدید» به صورت بی‌پرده و مکرر تأکید کردند که نسبت به اجرای ان پی تی توسط کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و تحقق خلع سلاح کامل نگران هستند. «طی کنفرانس بازنگری پنج سال گذشته، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به‌طور بی‌قید و شرط متعهد شدند کلیه زرادخانه‌های هسته‌ای خود را از بین ببرند... در حقیقت، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای باید بپذیرند که خلع سلاح و عدم اشاعه از جمله فرآیندهایی هستند که لازم و ملزوم یکدیگرند: چیزی که وجود نداشته باشد، امکان اشاعه نیز نخواهد داشت» (International Herald Tribune, 2005). با بررسی مباحث و اسناد کنفرانس بازنگری ان پی تی در سال ۲۰۰۵ می‌توان منطق حاکم بر این دیدگاه‌ها را ارزیابی کرد. در نتیجه دیدگاه‌ها و مقاومت‌های زورمدارانه کشورهای

دارای سلاح هسته‌ای، کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۰۵ موفق به تصویب سند نهایی نشد.^(۵)

بنابراین، نظر غالب در جهان عرب این است که تمدید نامحدود ان‌پی‌تی در سال ۱۹۹۵ دارای اشکالاتی است که در زمینه مسائل امنیتی منطقه‌ای و جهانی باعث افزایش بی‌اعتمادی به کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و غرب به طور اعم، و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به طور اخص، شده است.

آنها معتقدند همان گونه که موضع اتحادیه عرب در مباحث مربوط به اجلاس بازنگری سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد،^(۶) قدرت‌های بزرگ به خصوص ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای دارای سلاح هسته‌ای که بر روی اسرائیل نفوذ دارند، در واقع با تصویب قطعنامه ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه موجبات فریب جمعی این کشورها را فراهم آوردند تا با تمدید نامحدود معاهده موافقت نمایند و آن دسته از کشورهای عربی را که تا سال ۱۹۹۵ به ان‌پی‌تی نپیوسته بودند، مجاب به انجام آن نمایند. کشورهای عربی معتقدند ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای قدرتمند هرگز قصد یا طرحی برای اعمال فشار معنادار بر اسرائیل جهت نابودی زرادخانه

هسته‌ای این کشور، الحاق به ان‌پی‌تی و قرار دادن تأسیسات هسته‌ای اسرائیل تحت نظارت سیستم پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نداشته‌اند. بسیاری از اعضای دیگر جنبش عدم تعهد، از جمله کشورهای غیر عرب همچون ایران، اندونزی و مالزی، با حمایت از این نوع تفکر نگرانی‌های خود را طی جلسات مشورتی کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۰۵ به صراحت بیان کردند.

در نتیجه قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی و تعهدات اعلام‌شده در کنفرانس بازنگری و تمدید ان‌پی‌تی در سال ۱۹۹۵، سایر اعضای اتحادیه عرب که ان‌پی‌تی را نپذیرفته بودند، تا سال ۲۰۰۰ به این معاهده ملحق شدند. به این ترتیب، اسرائیل تنها کشور خاورمیانه است که تاکنون به ان‌پی‌تی ملحق نشده و همچنان به اراده جامعه بین‌المللی (که در قطعنامه خاورمیانه‌ای کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ منعکس شده است) و نیز ۲۶ قطعنامه مجمع عمومی و قطعنامه شماره ۶۸۷ شورای امنیت سازمان ملل که خواستار ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه شده است، بی‌اعتنایی می‌کند. اسرائیل با گستاخی به هر درخواستی برای برچیدن

زرادخانه هسته‌ای و قرار دادن تأسیسات هسته‌ای خود تحت نظارت سیستم پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای پاسخ رد می‌دهد. جالب توجه است که قطعنامه‌های سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل درباره ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه سال‌هاست که با اکثریت آرا به تصویب می‌رسند. به عبارت دیگر، این قطعنامه مشابه بسیاری دیگر از قطعنامه‌های مجمع عمومی در مورد خاورمیانه نیست که اغلب اوقات تنها با آرای منفی یا ممتنع ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به تصویب می‌رسند. هنگامی که ایران برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه را به شکل قطعنامه‌ای به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد، اسرائیل به آن رأی ممتنع داد.

از آنجا که قطعنامه مزبور طی سال‌های متمادی در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب می‌رسید، اسرائیل از نظر تاکتیکی، حمایت از آن یا حداقل عدم مخالفت با آن را مفید ارزیابی کرد و متعاقباً به آن رأی مثبت داد. تصور عام در خاورمیانه این است که اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و احتمالاً سایر بازیگران بین‌المللی و حتی کشورهای خیرخواه، قطعنامه‌های مربوط به ایجاد

منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه را به عنوان طعمه‌ای برای کسب مشروعیت و شناسایی اسرائیل - کالایی که اسرائیل بدان نیاز مبرم دارد - در خاورمیانه ارزیابی می‌کنند. از نظر اسرائیلی‌ها و برخی کشورها، با استفاده از جذابیت مسئله خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل در آینده‌ای نامعلوم و ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه، می‌توان مذاکرات دوجانبه و چندجانبه میان اسرائیل و کشورهای خاورمیانه را برگزار کرد. براساس این طرح، منافعی که اسرائیل از آن بهره‌مند می‌شود، سال‌ها همراهی، مذاکره و شراکت تدریجی با برخی کشورهای خاورمیانه خواهد بود که به زعم اسرائیل به شناسایی آن و دائمی شدن اشغال سرزمین‌هایی منجر شود که اعراب در هر حالت دیگر آن را غیرقانونی و ظالمانه می‌دانستند. احتمالاً شمار اندکی از سیاست‌گذاران کشورهای غربی این تحلیل را قابل دفاع می‌دانند. برخی حتی ممکن است بگویند که با توجه به جهت‌گیری سیاسی ایران زمان شاه در تبعیت از غرب، احتمالاً تفکر زمینه‌ساز اولین قطعنامه ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه که در سال ۱۹۷۴ از سوی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد نیز چیزی جز تلاش

در جهت تطهیر و مشروعیت دادن به اسرائیل در خاورمیانه نبوده است.

با وجود این، صرف‌نظر از تفکر اولیه ایران، ایالات متحده آمریکا، اسرائیل یا هر کشور دیگر، معقول آن است که اکنون پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از ارائه اولین قطعنامه، ایده ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه را قوام‌یافته و دارای منطق و پشتوانه فکری خاص خود ببنداریم. بر اساس نظر برخی تحلیلگران (Baumgart and Muller, 2004- P.57, 05)، فرآیند ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه به صورت بالقوه می‌تواند موجب تسهیل نوعی ترتیبات امنیتی شود که به دستیابی به صلح عادلانه و پایدار برای پایان دادن به درگیری‌های اعراب و اسرائیل نیز کمک کند.

گفته می‌شود اسرائیل بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ سلاح هسته‌ای در زرادخانه خود دارد. این موضوع موجب ایجاد نوعی اعتماد به نفس کاذب برای اسرائیل شده تا در پرتو آن جسارت رد کردن هر گونه طرح صلح عادلانه را بدون هیچ گونه تردیدی در خود بیابد. از دیدگاه نظری، ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه موجب از بین رفتن غرور و خودبزرگ‌بینی اسرائیل

می‌شود و او را آماده پذیرش فرآیند صلح واقعی و عادلانه می‌نماید. این استدلال اسرائیلی‌ها که سلاح‌های هسته‌ای این کشور نوعی عامل بازدارنده نهایی در مقابل اعراب و ایرانیان محسوب می‌شود، نباید گوش شنوایی پیدا کند، چراکه توازن قدرت متعارف، همچنان که در جنگ‌های پیشین نیز به اثبات رسیده، به نفع اسرائیل بوده است. به علاوه، سیاست مورد حمایت هر دو حزب غالب در ایالات متحده آمریکا، به عنوان کشوری که خود را تنها ابرقدرت کنونی قلمداد می‌کند، تضمین برتری نظامی و استراتژیک اسرائیل در خاورمیانه است. به سختی می‌توان تصور کرد که ایالات متحده آمریکا بدون برخورداری اسرائیل از زرادخانه هسته‌ای قادر به تضمین این حاشیه امنیتی برای اسرائیل نباشد. بنابراین ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه بر فرآیند صلح عادلانه در جریان درگیری‌های اعراب و اسرائیل تأثیر مستقیم دارد و به صورت بالقوه می‌تواند مشوق اسرائیل برای دست برداشتن از لجاجت و پذیرش بیشتر این فرآیند باشد.

فرجام

اغلب تحلیلگران قبول دارند که ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای یا

بلندپروازی پرهیز نمود و از خلاقیت بهره جست. این اقدام باید ابتدا در منطقه خلیج فارس و سپس در سایر نقاط خاورمیانه اتخاذ شود.

۳. برگزاری مجموعه‌ای از جلسات در سطح کارشناسان دولتی برای بحث و تلاش در جهت دستیابی به توافق در مورد الزامات سیاسی و امنیتی مکانی و زمانی در آینده که در آن موقعیت و زمان مذاکرات مربوط به منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه بتواند سازنده باشد.

۴. ایجاد دستور کار سیاسی در جلسات کارشناسان که شامل بحث در مورد الزامات نوعی سازوکار همکاری نظارتی و غیرمداخله جویانه به عنوان اقدام اعتمادساز برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب ترتیبات امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه باشد. مفاهیم و اقدامات صورت گرفته در سایر مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای تحت پوشش این گونه سازوکارها قرار گرفته و هر نوع سازوکار دوجانبه نیز می‌تواند راهنمای جلسات مشورتی کارشناسان دولتی در رابطه با خاورمیانه باشد. وظیفه این گونه جلسات گروه کارشناسی را می‌توان تلاش جهت دسترسی به نوعی متن توافق شده برای راستی‌آزمایی

کشتار جمعی در خاورمیانه کاری بس دشوار است. این موضوع نیازمند رویکرد تدریجی و گام به گام و نیز تغییر دیدگاه‌ها و باورها، اقدامات اطمینان ساز و اراده‌ای متهورانه برای نجات نسل‌های بعدی از بلایای جنگ - به گونه‌ای که در منشور سازمان ملل آمده - است. علاقه‌مندان به این موضوع، فهرستی ارائه می‌کنند که حاوی اقداماتی مرتبط و لازم و ملزوم یکدیگر است و نیز تسهیل‌کننده ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه می‌باشد:

اقدامات کلی:

- اقداماتی با هدف ارتقای احترام به و اجرای آن؛
- اقداماتی برای تقویت نظام عدم اشاعه؛
- اقداماتی برای تقویت خلع سلاح هسته‌ای و پایبندی کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به تعهدات خود.

اقدامات ویژه

۱. باید توجه داشت که پیشرفت در زمینه ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه، زمانی محتمل است که بتوان به امکان برقراری صلحی پایدار امیدوار بود.
۲. در طراحی اقدامات اعتمادساز مربوط به مسائل امنیتی خاورمیانه، باید از

غیر مداخله‌جویانه برای ایجاد احتمالی منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه تعیین کرد. آنها همچنین ممکن است به تلاش‌هایی برای تعیین شرایط عضویت در این منطقه، همچنین دولت‌هایی که باید پیوستن به منطقه را قبل از اجرایی شدن آن به تصویب مجالس خود برسانند، و نیز وسعت و حیطه کاربرد صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای در چارچوب مناقشه بین‌المللی جاری در زمینه برنامه‌ها و فناوری چرخه سوخت مبادرت ورزند. این فرآیند صرفاً به منظور درک مشکلات و پیچیدگی‌های موضوع خواهد بود و به عنوان مذاکره تلقی نمی‌شود. با وجود این، مباحث این جلسات و سند نهایی اجماعی مربوط به راستی‌آزمایی غیرمداخله‌جویانه برای ایجاد منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه قطعاً می‌تواند برای زمانی در آینده که در آن احتمالاً پیشرفت عینی در زمینه ایجاد منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه محتمل به نظر برسد، مفید باشد.

۵. به عقیده بسیاری از کارشناسان خلع سلاح، اسرائیل، به عنوان تنها کشور دارای سلاح هسته‌ای در خاورمیانه باید برای کمک به شروع این فرآیند اقداماتی را آغاز کند. برای نمونه، در این چارچوب استدلال شده

است که «اسرائیل باید احتمال تعطیلی رآکتور هسته‌ای دیمونا و تأسیسات مربوط به آن را که قلب برنامه هسته‌ای این کشور را تشکیل می‌دهند، مد نظر قرار دهد. اسرائیل در حال حاضر نیز از مقادیر زیادی مواد هسته‌ای برخوردار است که به این کشور قدرت بازدارندگی چشمگیری بدهد» (Baumgart and Muller, 2004-05, p.57).

همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، غرب، به خصوص سیاست دو حزبی ایالات متحده آمریکا برای تضمین حاشیه امنیتی اسرائیل در منطقه، باید راهنمای تلاش در جهت تشویق اسرائیل در مبادرت ورزیدن به اقدامات راهبردی معنادار برای کمک به شروع این فرآیند باشد.

۶. در داخل ایران، ارجاع پرونده هسته‌ای این کشور به شورای امنیت سازمان ملل ادامه زورآزمایی آمریکا، که ناشی از ۳۰ سال روابط متلاطم بین دو کشور و از نظر آمریکا دون‌شان این کشور به عنوان تنها ابرقدرت جهان است، تلقی می‌شود. در مقابل، ایران نیز طی چند سال گذشته با همان لحن مبارزه‌جویانه‌ای به انتقاد از آمریکا پرداخته است که معمولاً توسط اکثریت اعضای جنبش عدم تعهد، اتحادیه کشورهای عرب، و ائتلاف دستور کار جدید در تقریباً

ولی در عمل، مقامات ایرانی سعی کرده‌اند، به منظور نگه داشتن اختلافات در سطح قابل کنترل، گام‌های قاطعی بردارند که نمونه‌های آن عبارت‌اند از: همکاری مستمر و بیشتر با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، مذاکرات مورخ اول اکتبر ۲۰۰۹ در ژنو بین مقامات ارشد ایرانی و مقامات گروه ۵+۱، ارائه پیشنهاد مبادله اورانیوم غنای پایین ایران با سوخت اورانیوم غنای بالا برای رآکتور کوچک تحقیقاتی تهران، و اجازه بازدید زود هنگام از تأسیسات فردو در نزدیکی شهر قم. کشورهای عضو گروه ۵+۱ سعی کرده‌اند کاری کنند تا ایران گناهمکار فرض شود، مگر اینکه بتواند بی‌گناهی خود را اثبات کند.

در این چارچوب و در راستای عملگرایی شاخص ایرانی‌ها، ایران ممکن است اتخاذ موضعی فعال‌تر در فرآیند ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای را شیوه‌ای تلویحی برای اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه انرژی هسته‌ای خود قلمداد کند. بنابراین، در شرایط کنونی که برنامه هسته‌ای ایران به موضوعی مناقشه‌برانگیز بین‌المللی تبدیل شده و پیشرفت معناداری در روند منازعات اسرائیل و فلسطین حاصل نگردیده، برای پیشبرد ایده به ظاهر غیرعملی و آرمانی

کلیه اجلاس‌های چندجانبه مربوط به ان‌پی‌تی، خطاب به هر پنج کشور اصلی دارنده سلاح‌های هسته‌ای به کار گرفته شده است. به عنوان مثال، مقامات ایرانی به صورت علنی، و در زمان دولت بوش با شدت بیشتر، از ایالات متحده آمریکا خواسته‌اند به گفته‌ها و مواضع اعلامی‌اش عمل کند؛ تلاش ایالات متحده آمریکا برای توقف اشاعه باید در عمل به گونه‌ای غیرتبعیض‌آمیز باشد که سایر کشورها نیز سیاست آمریکا را همان‌گونه تلقی کنند؛ تهدید کشوری مثل ایران که در چارچوب ان‌پی‌تی عمل می‌کند، به اعمال تحریم‌های بین‌المللی یا حتی اقدام نظامی، در حالی که خود آمریکا به تعهدات خلع سلاح هسته‌ای مبتنی بر ان‌پی‌تی پایبند نیست، یا اغماض نسبت به اشاعه سلاح‌های هسته‌ای توسط برخی کشورها یا حتی کمک به برخی کشورها در اشاعه سلاح هسته‌ای را فقط می‌توان سیاست زورمدارانه و عدم تمایل این کشور به عدم اشاعه دانست؛ معیارهای دوگانه ایالات متحده آمریکا صرفاً محدود به اسرائیل نمی‌شوند و مورد هند نیز مثال دیگری از ارائه پاداش به کشوری است که از امضا کردن ان‌پی‌تی امتناع و سلاح هسته‌ای تولید کرده است.

ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای، فرصتی جدید به وجود آمده است. این موضوع در حال حاضر منطقی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا به دلیل موفقیت نسبی سومین جلسه کمیته مقدماتی کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۱۰، که در تاریخ ۱۵-۴ مه ۲۰۰۹ در شهر نیویورک برگزار شد، ممکن است با تقاضای بلندمدت ایران و سایر کشورهای دارای دیدگاه‌های مشابه موافقت شود و «نهادی فرعی» برای رسیدگی به مسئله ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه طی اجلاس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۱۰ - که قرار است در شهر نیویورک و در تاریخ ۲۸-۲ مه ۲۰۱۰ - برگزار شود، تأسیس گردد (Johnson, 2009).

رویکرد جدید اوباما به کنترل تسلیحات، خلع سلاح و دیپلماسی چندجانبه ممکن است بر روند مباحثات ملی و بین‌المللی در مورد این مسائل تأثیرگذار باشد. بخش اعظم موفقیت سومین جلسه کمیته مقدماتی اجلاس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۱۰، به رویکرد مثبت‌تر نمایندگان دولت اوباما در کمیته مقدماتی نسبت داده شده است.^(۷) برخلاف سایر جلسات مربوط به ان‌پی‌تی از سال ۲۰۰۲ تاکنون، سومین جلسه کمیته مقدماتی در فضایی بسیار مثبت و سازنده

برگزار شد و طی آن دستورکار و کلیه تصمیمات رویه‌ای مهم مربوط به کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۱۰، با کمال تعجب به تصویب رسید. اکنون احتمال تشکیل یک «نهاد فرعی» ویژه طی اجلاس بازنگری سال ۲۰۱۰، برای تمرکز ویژه بر قطعنامه سال ۱۹۹۵ کنفرانس تمدید و بازنگری ان‌پی‌تی در رابطه با ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه بسیار زیاد است. ایران، مصر، اتحادیه دولت‌های عرب و اکثریت دولت‌های عضو جنبش عدم تعهد در کلیه جلسات کمیته مقدماتی و کنفرانس بازنگری از سال ۱۹۹۵ تاکنون، بدون نتیجه بر تأسیس این «نهاد فرعی» اصرار داشته‌اند. اگر فضای مثبتی که بر جلسات سومین کمیته مقدماتی حاکم بود، همچنان ادامه پیدا کند و به جلسه کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۱۰ نیز گسترش یابد و «نهاد فرعی» برای رسیدگی به قطعنامه خاورمیانه تشکیل شود، آنگاه بحث‌های رسمی در زمینه چگونگی ارتقای خاورمیانه به منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای آغاز خواهد شد. باید دید آیا رویکرد «نهاد فرعی» خاورمیانه که ممکن است طی کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۱۰ تأسیس شود، به مسئله منطقه عاری

۶- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: UN Document, NPT/CONF.2005/wp.40
 ۷- البته تحلیلگران اذعان دارند که ایران و مصر رویکرد سازنده‌تری را در سومین کمیته مقدماتی در پیش گرفته‌اند. برای تحلیلی در مورد چارچوب احتمالی وضعیت جدید بازیگران اصلی، شامل ایالات متحده آمریکا، ایران و مصر در جلسه سومین کمیته مقدماتی به مقاله زیر مراجعه شود:

Rebecca Johnson (2009. June), Enhanced Prospects for the 2010: An Analysis of the Third PrepCom and outlook for the 2010 NPT Review Conference, *Arms Control Today*.

منابع

1. Baumgart Claudia and Muller Harald. (Winter 2004-05). A Nuclear Weapon-Free Zone in the Middle East: A Pie in the Sky?, *The Washington Quarterly*.
2. ElBaradei Mohamed. (2009, 4 February). Nuclear Weapons: A Relic of the Past, *Suddeutsche Zeitung*.
3. *International Herald Tribune*, 2 May 2005.
4. Johnson Rebecca (2009. June), Enhanced Prospects for the 2010: An Analysis of the Third PrepCom and Outlook for the 2010 NPT Review Conference, *Arms Control Today*.

از سلاح‌های هسته‌ای به عنوان یک رویداد خواهد بود یا یک فرآیند. در صورت اتخاذ رویکرد دوم، شش مورد اقدام فوق‌نکاتی هستند که می‌توان به آنها توجه بیشتری کرد.

پانوشتها

۱- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: UN Document, NPT/Conf.1995/32. Part I. Annex

۲- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

<http://www.un.org/disarmament/disarmsec/Perspective/UN%20regiona%20approach%20to%20Disarmament,%20non-proliferation%20and%20arms%20control%20PDF.pdf>

۳- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: UN Document, NPT/CONF.2005/wp. 40

۴- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: UN Document, NPT/CONF.2005/wp.40

۵- با این حال، برخی معتقدند که ایالات متحده آمریکا، ایران، و مصر به عنوان سه کشور اصلی که کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در سال ۲۰۰۵ را به شکست کشاندند، شناخته می‌شوند. برای تحلیلی در مورد علل، انگیزه‌ها و تاکتیک‌های کشورهای مختلف، از جمله P5، مراجعه شود به:

%20Disarmament,%20nonproliferation%20a
nd%20arms%20control%20PDF.pdf

5. Krieger David. *The Most Important Moral Issue of Our Time*, Retrieved January 4, 2010, Website: www.NuclearFiles.org/menu/keyissues/ethics/basics/krieger_most-important-moral-issue.htm#
6. Parish Scott and Potter William (2006). Central Asian States Establish Nuclear-Weapon-Free-Zone Despite U.S. Opposition, *James Martin Center for Nonproliferation Studies*, 8 September 2006. Website: <http://cns.miis.edu/stories/06905.htm>
7. Statement by Mohamed ElBaradei (2008), *On Reviving Nuclear Disarmament to the Conference on Achieving the Vision of a World Free of Nuclear Weapons*, held in Oslo, Norway on 26 February 2008. Retrieved on 28 October 2008, Website: <http://www.iaea.org/NewsCenter/Statements/2008/ebsp2008n002.html>
8. UN Document, NPT/CONF.2005/wp.40, Working Paper Presented by the State of Qatar on behalf of the States Members of the League of Arab States to the 2005 Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-proliferation of Nuclear Weapons.
9. *UN Document*, NPT/Conf.1995/32. Part I. Annex
10. *UN Document*, NPT/CONF.2005/wp.40
11. <http://www.un.org/disarmament/disarmsec/Perspective/UN%20regional%20approach%20to>

